

زندگی و آثار یک هنرمند کرانمایه قرن گذشته

حسن نراقی

کسان بمیرند، اما هنر نمیردشان

یکی بقیه بگذشتگان پیش نگر

(ادیب الممالک)

نبوده و دارای چنان کیفیت‌های روحانی نمی‌باشد چنانکه نمونه‌ای از اینگونه ذخایر غارت شده‌را در مقاله (آثار هنرمندان يك خاندان تاریخی کاشان) درج شده در شماره ۱۵ مجله هنر و مردم نشان دادیم که از کلیه محراب و کتیبه‌های تاریخی که در سده‌های هفتم و هشتم هجری برای اماکن عمومی و مشاهد مشرفه در کاشان ساخته شده بود، فقط چند قطعه‌ای که در آستان قدس رضوی و حرم قم بکار رفته تاکنون هم در جای اصلی خود باقی و برقرار می‌باشد. بنابراین سرنوشته شوم سایر ذخایر ارزنده تاریخی و آثار زیننده هنری که جنبه عمومی و مذهبی هم نداشته بطریق اولی معلوم است. مانند گنجینه‌های خیره‌کننده پادشاهان صفوی که شاردن فرانسوی يك قلم از آنها چهار هزار عدد ظروف زرین مرصع و گوهرنشان‌را در دربار شاه سلیمان بیچشم خود دیده است. و یا از کاروان ثروت بی‌حسابی که نادرشاه از هندوستان بریشت یکهزار فیل و هفت هزار اسب و استر و ده هزار شتر بارکرده بایران آورد که (بگفته مستر جمس فریزر در کتاب تاریخ نادرشاه) ارزش روز آنها بالغ بر ۷۵۰ کرویر تومان بوده است اکنون بجز مقدار ناچیزی از آن گنجینه عظیم که در خزانه بانک ملی دیده میشود و همین هم موجب شگفت و اعجاب جهانیان است جملگی نیست و نابود گشته.

و یا يك قلم هنگفت دیگر از غنائم هندوستان که بگفته مورخین شصت هزار جلد کتاب خطی نفیس بوده (که یکی از آنجمله مرقع گلشن متعلق بکتابخانه سلطنتی می‌باشد) و همچنین کتابخانه

از سرگذشت پرتحول صنایع ملی ایران و گزارش زندگانی هنرمندان کرانمایه آن هم مانند سایر شئون اجتماعی این سرزمین، تاریخ مدون و جامعی در دست نیست، تانسله‌های کنونی و آینده کشور از سیر تاریخی هنرهای نیاکان خویش و چگونگی تحولات آنها آگاه گردند. همچنانکه آثار هنری و شاهکارهای صنعتی گذشته و ذخایر گرانبهای ملی نیز بر اثر سوانح هولناک تاریخی یکبارہ نیست و نابود گشته و یا به غارت و بیغما ربوده شده. بطوریکه اکنون ما برای شناسائی هر يك از مظاهر دانش و پیشینیان ناگزیر باید دست نیازمندی بسوی موزه‌ها و مجموعه‌های دیگران دراز کنیم و یا آنکه به شکسته و پاره‌های از کار افتاده‌ای که در دل ویرانه‌ها نهفته مانده است دلخوش باشیم. با اینحال چون نیک بنگریم هنوز هم از پرتو پاکدلی و نیک‌اندیشی‌های نیاکانمان دریچه‌های روشن و امیدبخش دیگری بروی ما گشوده است. مانند گنجینه‌های پرارزش و تاریخی اماکن مقدسه که با وجود دستبردهای غارتگران باز هم تا حدی محفوظ مانده است. و بالخصوص برتری دیگری که ودایع کرانمایه این مجموعه‌های هنری دارد آنستکه چون در جایگاه اولیه و مکان اصلی خود باقی مانده سیمای سرپانمای هنرهای قرون گذشته‌را نشان داده و شاهکارهای هنرمندان فراموش شده‌را زنده و با روح مجسم می‌سازد و بدیهی است که از این راه اثرات عمیق و دقیق و لطائف خاصی را بدل و دیده بینندگان الهام میبخشد، در صورتیکه آثار قدیمی مشابه آنها که از محل و مکان اصلی خود ربوده و جدا شده است بطور قطع و یقین چنین اثر بخش



مطلع قصیده قآنی درکتیبه مرمر رواق توحیدخانه

صنعه و قسمتی از رواق توحیدخانه آستانه مشهد



در آستان قدس رضوی میان حرم و ایوان طلای صحن قدیم رواق وسیعی است که بنام توحیدخانه معروف میباشد. درکتیبه این رواق قصیده مفصلی از حکیم قآنی بخط نستعلیق روی سنگ مرمر نقر شده که مطلعش اینست:

زهی بمنزلت از عرش برده فرش تو رواق
 زمین ز یمن تو محسود هفت کاخ مطبق
 و پس از اشعاری چند در شأن و شرف قبه و بارگاه
 امام گوید:

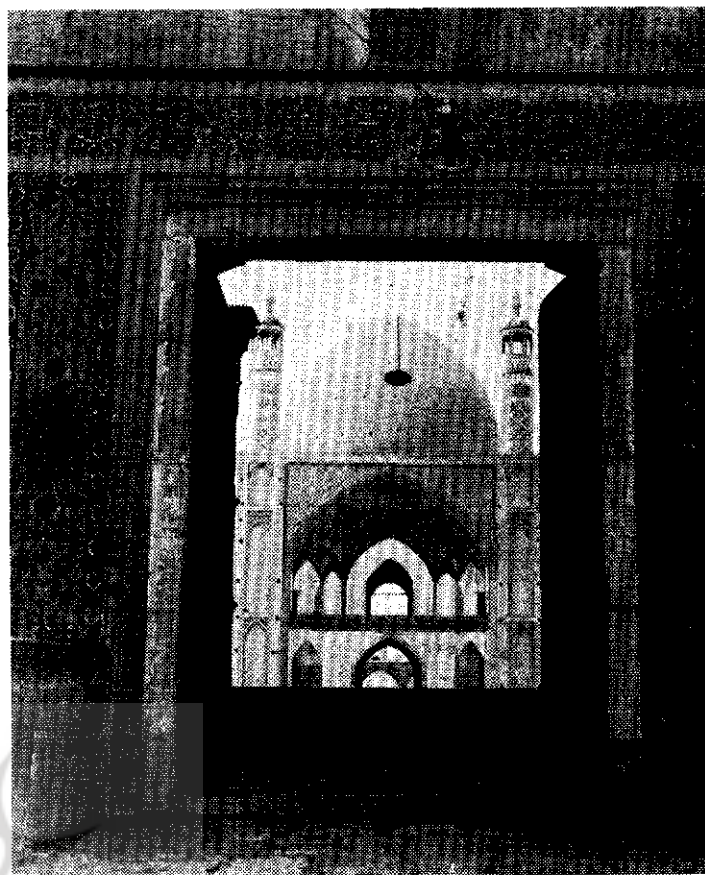
چو بود طاق رواق تو از نقوش معرّا
 چو از طراز هیوئی جمال هستی مطلق

معتبر پادشاهان صفویه که شاردن فرانسوی تعداد کتب آنرا پانزده هزار جلد مینویسد، سوای چند مجلدی که بکتابخانه آستانه مشهد داده شده از بقیه آنها اثری در میان نیست. و یا قطعه‌های بیشماری از فرشهای ابریشمی و زربفت گرانها که زینت بخش کاخهای توانگران و پادشاهان بوده و حتی در آرامگاه دام و دد یعنی زیر پای جانوران باغ و حش هم گسترده بودند چنانکه تاورنیه جهانگرد فرانسوی ضمن مشهودات خود در یکی از کاخهای شاه عباس دوم میگوید. آنقدر فرشهای ابریشمی در زیر دست و پار ریخته بود که در کنار دریاچه‌ای چهار شیر و سه ببر را دیدم روی فرشهای ابریشمی دراز کشیده‌اند. اما اکنون بجز چند قطعه قالی ابریشمی که شاه عباس بزرگ باستان قدس اهداء نموده چیز دیگری در ایران باقی نمانده است. و نیز در خزانه آن آستانه آثار هنری و تاریخی مهمی هم از دوره خوارزمشاه خواجه نظام‌الملک و پادشاهان گذشته و حتی سلاح‌های جنگی اعصار مختلف که نظیر آنها در جاهای دیگر یافت نمیشود موجود و محفوظ میباشد.

همچنین سایر اماکن مشرفه بواسطه آثار درخشان ذوق و هنر نسل‌های متوالی ایرانیان از حیث معماری، گچ‌بری، سنگ تراشی، آینه‌کاری، نقاشی و تذهیب، خوشنویسی و قلمزنی، منبت و خاتم‌کاری بالاخره گنجینه‌های زر و سیم و غیره که در آنجاها اندوخته شده بدون شك با بزرگترین موزه‌های هنری دنیا هم چشمی و بلکه از جهات اصالت و تجلی واقعیت گرانمایه‌تر و آموزنده‌تر میباشد چه آنکه لطائف و ظرائف فنی بیشمار و دقائق تاریخی بسیار راجع بهر عصر و زمان از در و دیوار و سقف هر زاویه و رواق آنها با جلوه حقیقی خود آشکار و نمودار میگردد اما متأسفانه باید اذعان نمود که این منابع الهام بخش با آنکه هیچ‌یک از بناهای مشهور دنیا همچون ااتیکان و کلیساهای تاریخی یا ایاصوفیه و تاج محل و قصر الحمراء از حیث عظمت و شکوه و مجموعه‌های هنری با آنها برابری نمیکند بطوریکه باید و شاید تا بحال مورد بررسی‌های علمی و دقت کامل قرار نگرفته است. مگر آنکه امیدوار باشیم بر اثر کوشش و جنبشی که بتازگی در افکار محققین پیشرو جوانه زده و بایبدا شدن تمایل و گرایش که برای تحقق و تنبع درمبانی تاریخ اجتماعی کشور پدیدار گشته در آینده نزدیک نسبت با آثار الهام بخش اینگونه اماکن گامهای مؤثر و سودمندی برداشته شود. اینک در این مقاله شمه‌ای از زندگانی و کارهای یکی از هنرمندان بزرگ ولی گمنام قرن گذشته را نشان میدهم که چگونه با آنکه از اساتید بنام عصر خویش بوده اما بعلت آنکه عمر خود را در تزیین و تذهیب اماکن مذهبی بسر برده و آثار هنری او بموزه و مجموعه‌های بیگانگان عرضه نشده تاکنون حتی در وطن خود هم بی‌نام و نشان و ناشناس مانده است.



راست : نمای جلouxان و گنبد مسجد و مدرسه آقابزرگ در کاشان
چپ : طاق مقرنس سردرب در ورودی مسجد آقابزرگ واقع در کاشان



پس از درود سرود از برای سال طرازت
زهی زمین تو مسجد نه رواق معلّق = (۱۲۵۰)
این قصیده در دیوان حکیم قآنی با ۵۳ بیت در ردیف
حرف (ق) ضبط شده است .

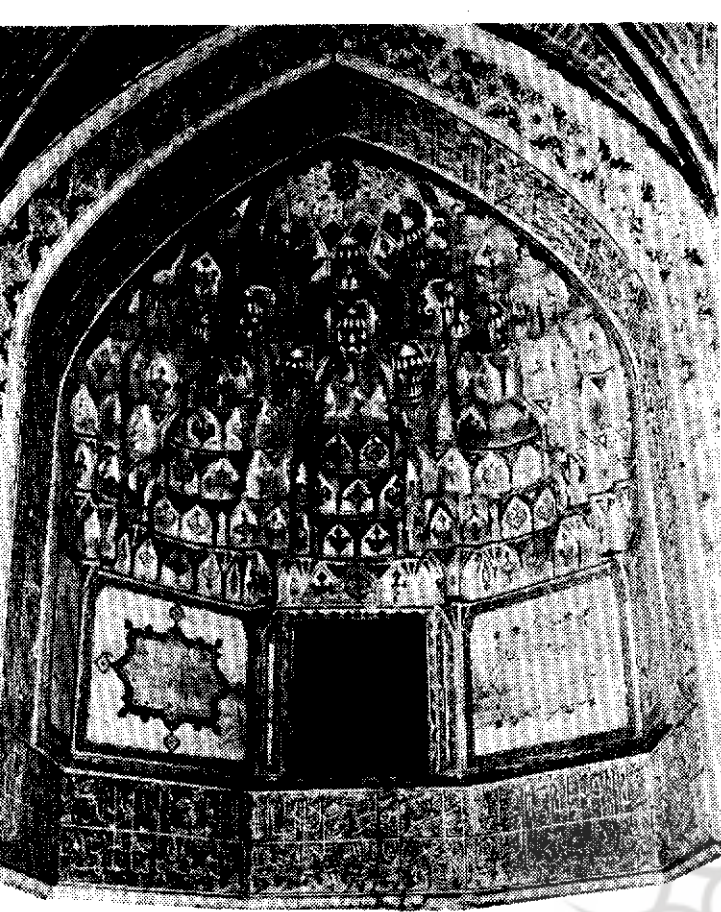
با وجود چنین ستایش بلیغی از نیروی هنری این نقاش
توانا آن هم از زبان گوینده‌ای هنرشناس همچون حکیم
قآنی که نظیر آن درباره هیچ هنرمندی از اوشنیده نشده
باینحال در هیچ کجای دیگر نام و نشانی از او بمیان نیامده
و حتی اعتماد السلطنه در کتاب تاریخ مطلع السعدین که اماکن
آستانه‌ها را به تفصیل بیان کرده است از بانی تعمیرات و نقاش
ورواق توحید خانه فقط بقزینه اسامی که در اشعار کتیبه نوشته
شده با ابهام و اجمال چنین یاد میکند : (بانی تعمیر و تزیین
ورواق توحید خانه شعبانعلی نام و نقاش آن هم باقر نامی بوده است) .
و اینک سابقه تاریخی :

در عهد شاه سلیمان صفوی بر اثر زلزله شدیدی در مشهد
خرابی بسیاری بد بناها و اماکن آستانه وارد شده بود که بفرمان
شاه و تشویق پیشوایان روحانی خرابی‌ها مرمت و از نو تعمیر گردید.
از جمله دانشمند بزرگ عصر ملا محسن فیض کاشانی که
آن اوقات در مشهد میزیست میان حرم و صحن قدیم ، رواق
نوبنیادی را بنام توحید خانه بنا نهاد (بگفته مطلع الشمس
و حدیقه الرضویه) و آنجا را محل درس و بحث و وعظ خود

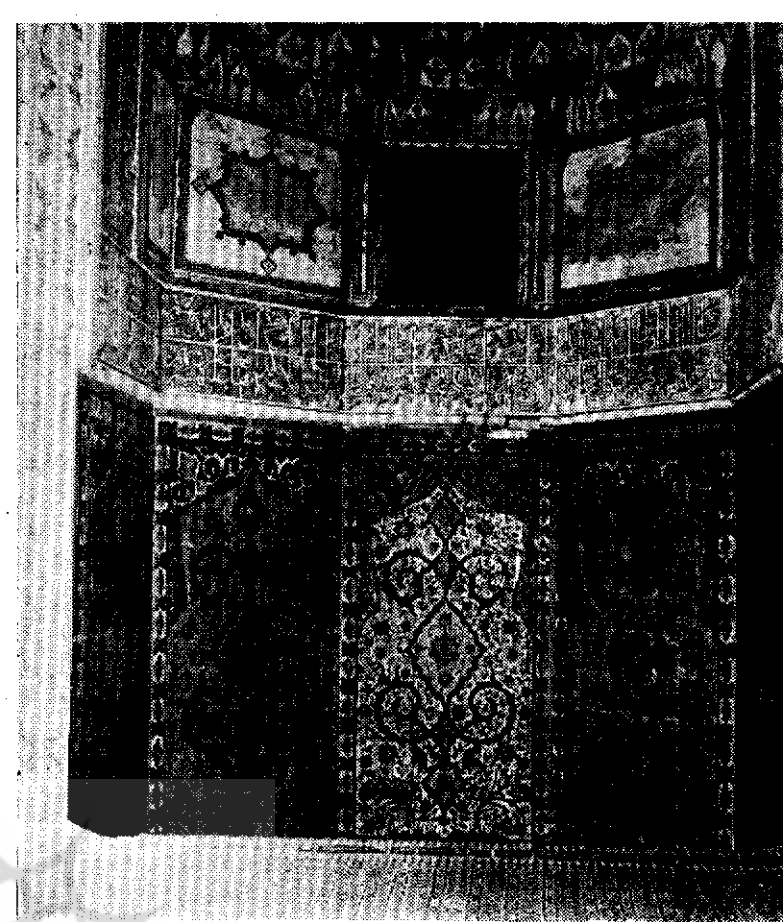
سپهر مرتبه شعبانعلی که باد وجودش
بروزگار مؤید ز کردگار موفق
نمود عزم که گردد حدو طاق رواق
بطرز قصر ستار و بارگار خورنسق
به نیل و دوده و گلغونه و مداد مزین
بزر و نقره و شکرگرف و لاجورد و منمق

بسی باقر شاپور کلک مانسی خامه
که شکل پیل کشد نوک خامه اش پیر بق

بلوح صنع مجسم کند بدایع کلکش
نسیم مشک و شمیم عنبر و نکهت زنبق
چنانکه نیز مصور کند بصنعت خامه
نعیب زاغ و نعیق کلاغ و صیحه عقعق
برنگ ریزی کلکش کند عیان به مہارت
نشید بلبل و پرواز سار و جنبش لقلق
بساحت تو رقم کرد نقشها که ز رشگش
زبان اهل بیان چون زبان خامه شود شق
چو گشت چنبر و سقف تو از نقوش نو آئین
چو نای فاخته و گردن حمامه مطوق
نهال فکرت قآنی از سحاب معانی
ببوستان سخن گشت در ثنای تو مورق



سقف مقرنس گچ‌بری محراب گنبد مسجد آقابزرگ



قسمت پائین محراب گنبد مسجد آقابزرگ درکاشان

بود که بامر فتحعلی شاه سرگرم بطرح بنا و ساختمان صحن جدید و تعمیر و تزئینات ابنیه آستانه و نصب در طلای مرصع و گوه‌ر نشان در حرم مطهر بودند. طولی نکشید که هنرنمایی‌های حاجی سیدباقر دقت نظر هنرشناسان زبده و برگزیده‌ای را که از هر جانب بدانجا شتافته بودند بسوی خود جلب نمود و انگشت‌نما گردید.

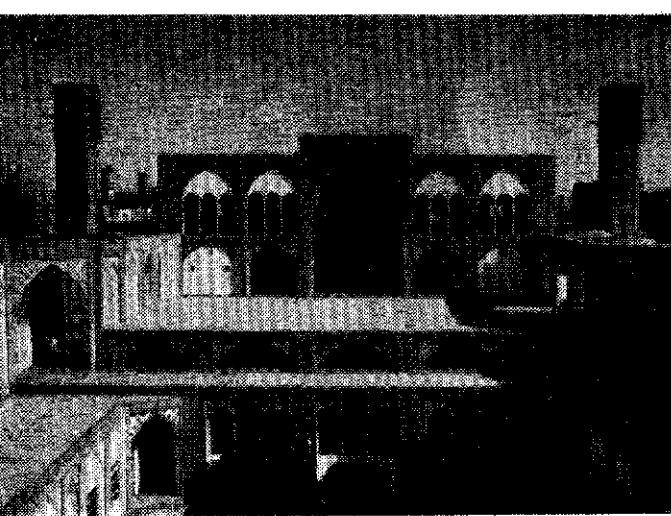
بطوریکه حکیم قآنی که این ایام ساکن مشهد و از نزدیک شاهد و ناظر آثار او بود یکباره شیفته کلاک سحرآسا و دل‌باخته ذوق هنرپرور حاجی سید باقر گشته قصیده نامبرده را با بیان شیوا و اوصاف اغراق آمیزی که درباره هیچ نقاش و هنرمندی تاکنون گفته و شنیده نشده برای نقر در کتیبه آن رواق انشاد میکند.

حاجی سید باقر در سال ۱۲۵۰ قمری پس از پایان یافتن کارهای او در آستان قدس بزادگاه خویش کاشان بازگشت نمود. بعد از چندی هم چون بنای عالی مسجد و مدرسه آقای بزرگ که مجاور خانه وی بود ساخته و پرداخته شد او سرپرستی تزئین و نقاشی‌های سقف و ستون و کتیبه‌های آن را عهده‌دار گردید. ریزه کاری روی طاق معلق و سقف‌های مقرنس سردرب

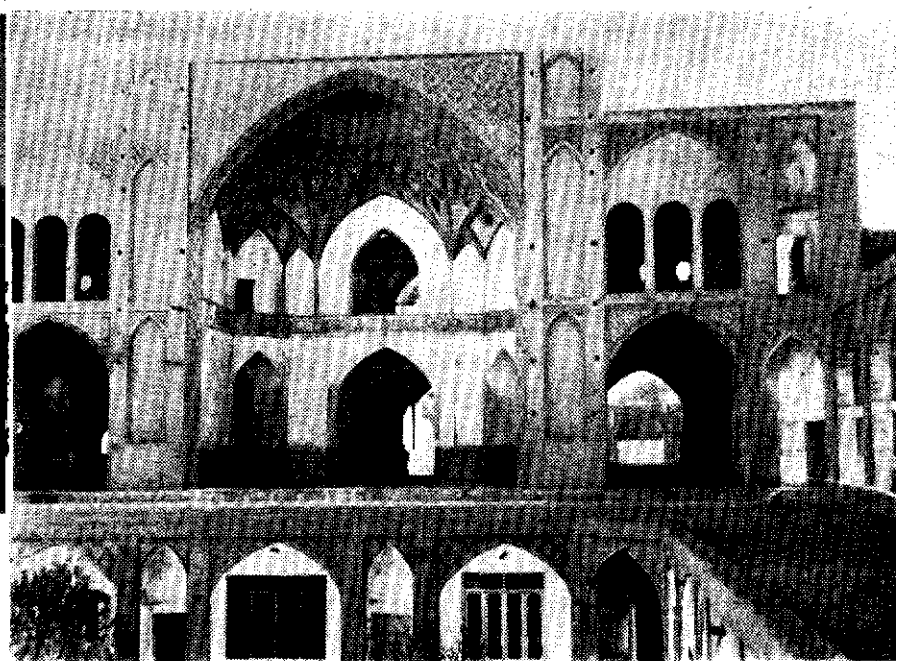
قرارداد. این بنا بمرور زمان رو بویرانی نهاد تا آنکه در نیمه اول قرن سیزدهم هجری یکی از مردان نکوکار کاشان بنام حاج شعبانعلی در مقام تعمیر و تزئین و تذهیب آنجا برآمد آن مرد بلند همت دارائی گراف خود را صرف خیرات و مبرات عمومی مخصوصاً ساختن بناهای مذهبی نموده بود و در کاشان دو باب مسجد و شبستان بزرگ و معتبر بنا کرده که هنوز هم آباد و معمور است. یکی از آنها در جوار بقعه خواجه تاج‌الدین بود که پس از ساخته شدن مسجد و مدرسه آقا بزرگ در مدخل و قسمت تحتانی سردرب این مدرسه واقع شده دیگری مسجد و شبستان وسیع و مفصلی است در محل درب زیارت حبیب بن موسی که مطابق کتیبه کاشی کاری محراب آن در سال ۱۲۴۶ هجری پایان یافته است.

حاجی شعبانعلی پس از آنکه رواق توحیدخانه را نیز در مشهد مرمت و تجدید بنا نمود از هنرمند یگانه کاشان حاجی سیدباقر نقاش قمصری که در قلمدان سازی و نقاشی ماهر و مشهور بود خواهش تزئین و تذهیب آنجا را نمود. و آن هنرمند عالی‌مقام چون مردی وارسته و بی‌نیاز بود و بر هیچ آستانه‌ای جز آستانه پیشوایان دین سر فرو نمی‌آورد با طیب خاطر آماده شده مشغول بکار گردید.

در آن هنگام شهر مشهد مرکز هنرمندان فنون گوناگونی



منظره داخلی ساختمانهای جنوبی مدرسه آقابزرگ
و شبستان حاج شعبانی در کاشان



نمای صحن مدرسه و مسجد آقابزرگ در کاشان

مسجد آقا بزرگ کاشان است که قسمت‌های مهمی از آن هنوز با آب و رنگ اصلی خود و این امضاء (رقم کمترین عبدالوهاب غفاری) جلوه گر است. و علاوه بر چندین صحنه باغ و بستان و شکارگاه تصویر و تابلوهای ذیل نیز سالم و محفوظ مانده:

- ۱- تصویر شاه نعمت‌الله ولی و چند تن از عرفا
- ۲- لیلی و مجنون و معاشرت مجنون با حیوانات
- ۳- شیخ صنعان و دختر فرنگی
- ۴- کلیسا و راهبه‌های نصرانی
- ۵- بارگاه یوسف و پذیرفتن زلیخا را در حالیکه پیر شده است.

۶- یعقوب و اسماعیل در حالت حضور برای قربانی شدن و نیز در حیاط اندرون همان خانه حکیم باشی اطاق آینه کاری بزرگی ساخته شده که روی جدار و ستونهای آن هم تصویرهای زیبایی از مشاهیر و بزرگان بقلم (ابوالحسن غفاری صنیع‌الملک) نصب شده بود که پاره‌ای از آن تصاویر اکنون در اختیار آقای ضییحی یکی از بازماندگان خاندان حکیم باشی میباشد و وعده داده‌اند که در موقع گشایش موزه آثار تاریخی کاشان در باغ شاه فین بدان موزه اهداء کنند.

پس از درگذشت حاج سید باقر یگانه فرزند او بنام حاج میرزا علیرضا قمصری که زیر دست پدر پرورش یافته بود در قلمدان سازی و نقاشی آب رنگ مهارتی بسزا داشت و گاهی که به تحریک ذوق و برای تفنن قلمدان ظریف یا تابلو زیبایی میساخت فقط بعنوان ارمغان بدوستانش می بخشید. زیرا که او نیز به پیروی از پدر آثار هنری خویش را با مال و جاه سودا نمیکرد.

بزرگ مدرسه و محراب گنبد و طرح ترنج و اسلیمی و نقش و نگارهای داخل گنبد را با خطوط چلیپائی در کمال مهارت و استادی ریخته و نیز در آرایش کتیبه‌های گچ‌بری متعدد آنجا با خطاط و نسخ‌نویس نامی کاشان استاد محمد ابراهیم سلمانی همکاری و شرکت نمود.

حاجی سید باقر در دوران پیری و پایان زندگانی بیشتر اوقات خود را در قمصر که آنجا آب و ملک و باغ و گلستانی داشت با سرگرمی به باغداری و کارهای روستائی میگذرانید. در فصل زمستان که بکاشان میآمد گروهی از جوانان با ذوق و استعداد هنری مخصوصاً از خانواده‌های اعیان و اشراف مانند غفاری‌ها و خاندان ملک الشعرائی صبا معروف به ضرابی‌ها و غیره در پیرامونش گرد آمده با کسب رموز هنری از محضر او بهره‌مند میگردیدند. چنانکه اغلب از نقاشان بنام و برجسته کاشان که در نیمه دوم قرن گذشته باوج شهرت رسیدند از مکتب این استاد و یاشاگردان او الهام یافته بودند. از آن جمله میرزا بزرگ غفاری (برادر کهنتر صنیع‌الملک و پدر ابوتراب خان نقاشباشی و کمال‌الملک معروف) بوده است که بعدها یکی از هنرمندان بنام و مؤسس یک خاندان بزرگ هنری گردید.

یک تن دیگر از شاگردان برجسته مکتب نقاشی آن استاد عالیقدر میرزا عبدالوهاب غفاری (عموزاده فرخ خان امین‌الدوله) بوده و او پس از مسافرتی که بانخستین گروه دانشجویان در زمان ناصرالدین شاه اروپا نمود پزشکی و نقاشی زبردست گردید.

از آثار هنری باقیه وی نقش و نگار تالار بزرگ تمام نقاشی شده خانه میرزا ابوالفضل حکیم باشی واقع در کوی